

## شماره ۶، تاریخ ۲۵/۱۲/۴۰

### ۲۹ اسفند روز ملی کردن نفت در سراسر ایران

پایه استقلال سیاسی هر ملتی استقلال اقتصادی است. این مسئله بحدی امروز بدیهی شده که حاجت بااستدلال و توضیح ندارد. هر کشوری که از نظر اقتصادی نتواند روی پای خود بایستد چه در بلوک غرب چه شرق بناچار از جهت تمایلات سیاسی مستقل و مختار نیست.

این امر تازگی ندارد و مخصوص ملتها و کشورها هم نیست و همیشه و همه جا اینطور بوده و هست. هر شخص یا خانواده یا قوم که از جایی کمک میگیرد الزاما باید بمیل و اراده کمک کننده رفتار کند.

ملت ایران پس از یک قرن تحمل نفوذ اجنبی و تن دادن بحکومتها بیکه بدست و وسیله و اراده بیگانگان بر او تحمل میشدند روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ دوازده سال قبل چنین روزی زنجیر اطاعت بیگانگان را مردانه پاره کرد و برهبری پیشوای بزرگ خاورمیانه جناب آقای دکتر محمد مصدق با تصویب قانون ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور استقلال اقتصادی خود را پی ریزی کرد.

از همان روز دنیا شاهد نبردی بود که باقوای نامساوی میان نیروهای ملی و سیاستهای زورمند خارجی که بوسیله خدمتگزاران داخلی تقویت میشد در گرفته بود.

سوء اتفاقی از قبیل تغییر حکومتهای انگلستان و آمریکا و غیر آن بشکست ملت ایران کمک کرد و شد آنچه شد.

ملی شدن صنعت نفت نه تنها از نظر اقتصادی میتوانست ملت ایران را ثروتمند کند و میلیاردها دلاری را که این چند ساله بجیب خداوندان لیره و دلار رفته نصیب ملت ایران سازد بلکه از جهت سیاسی با ریشه کن کردن نفوذ اجانب استقلال واقعی ما را تامین میکرد.

با همه خیانتی که بملی شدن صنعت نفت شده باز امروز بیش از روزی سیصد هزار لیره ای که آقای دکتر مصدق وعده میکردند عاید خزانه میشود منتهی حکومتهای دست نشانده خارجی مکلفند علاوه بر سو استفاده خود و عمال و کسانشان این سیل طلا را بصورتی هدر دهند که از طرفی قسمت اعظم آن ببازارهای انگلیس و آمریکا برگردد و از طرف دیگر هیچیک از مشکلات طبقه محروم یعنی اکثریت ملت ایران حل نشود. هر کس با مرکز قدرت و منابع خارجی نزدیکتر است ازین خوان یغما سهم بیشتری برده و میبرد.

با تمام احوال نهالی را که پیشوای بزرگ ملت امروز کشته است نیز خواهد رسید و ملت ایران در آینده نزدیک حساب خدمتگزاران و خیانتکاران را خواهد رسید. ما بوسیله این مختصر خاطره عزیز این روز گرامی را زنده و بزرگ میداریم.

درود به دکتر مصدق قهرمان خردمند ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران.

رحمت پروردگار بر روان پاک دکتر حسین فاطمی شهید راه آزادی و استقلال ملت ایران و دکتر محمود نریمان یار وفادار مصدق.

سلام بملت آزادیخواه و استقلال طلب ایران که از جان و دل در راه ملی کردن صنعت نفت در سراسر ایران از هیچگونه فداکاری و جانبازی دریغ نکردند.

ننگ و نفرین بر خائنین ملی شدن صنعت نفت در ایران که جهت استرضای استعمارگران سعی دارند  
تلاشهای ارزنده ملت ایرانرا در راه بهبود وضع کشور نقش بر آب کنند.  
ای معاویه؟! این کاخ را اگر از پول خود میسازی اسراف است و اگر از پول  
مردم است خیانت! .  
ای عثمان؟! گدایان را تو گدا کردی و ثروتمندان را تو ثروتمند ساختی.  
(از سخنان ابوذر غفاری رحمت الله علیه)

## اخبار

چند روز قبل نظریه مراجع تقلید و آیات عظام حوزه علمیه قم در مورد اعمال خلاف شرع و قانون اساسی که  
از دستگاه حاکمه بنا بر خصلت ذاتی ظهور می کند منتشر گردید که برای آگاهی بیشتر مردم مسلمان ایران قسمتی  
از آن در اینجا درج میگردد.

«روحانیت با هر فشار و مضیقه و اهانتی که دولت بر آن وارد کرده و در صدد وارد کردن است تکلیف دینی  
و وجدانی خود را در این تشخیص داده که مصالح و مفاسد را بدولتها و بجامعه مسلمین گوشزد کند. . و آنچه را  
برای این ملت ضعیف گرسنه بنا است پیش آمد کند و آثار و نشانه های آن یکی بعد از دیگری نمایان میشود  
بجامعه بشر برساند. . . با این اختناق جانفرسای مطبوعات و سخت گیری دستگاه انتظامی که حتی برای طبع یک  
ورقه مشتمل بر نصیحت و راهنمایی یا پخش آن اشخاص حبس کشیده و مورد اهانت و شکنجه واقع میشوند  
روحانیت ملاحظه میکند که دولت مذهب رسمی کشور را ملعبه خود قرار داده است.

. . روحانیت میبیند که پایه های اقتصادی این مملکت در شرف فرو ریختن است و بازار این کشور در حکم  
سقوط است چنانکه از پرونده های مربوط بسفته های بی محل که هر روز بر قطرش افزوده میشود این مطلب  
واضح میشود همینطور امر زراعت این کشور در معرض سقوط است. . . با این وضع رقت بار بجای آنکه دولت  
در صدد چاره برآید سرخود و مردم را گرم می کند بامثال دخالت زنان در انتخابات یا اعطای حق زنها. . و نظائر  
این تعبیرات فریبنده که جز بدبختی و فساد و فحشاء چیز دیگری همراه ندارد».  
جامعه روحانیت در آخر جهت امیدواری. . مسلمانان و بمنظور جلوگیری از اعمال ضد انسانی حکومت فاسد  
ایران متذکر شده است:

«بخواست خداوند متعال در موقع خود اقدام برای جلوگیری میکنند» انشاءالله  
بطوریکه شایع است آقای فلسفی واعظ معروف چند روز قبل علیه دولت در مسجد فخریه سخنرانی کرده اند  
و دولت برای تلافی ساعت ۹ بعدازظهر همانروز در راه امامزاده قاسم دستگیر و بزندان روانه کرده است.

## سال نو

یکسال مبارزه را پشت سر گذاشتیم. سالیکه دسیسه های استعمار و بندگان داخلی برای بیشتر اسیر کردن  
ملت ایران باوج خود رسید. . . دیکتاتوری و خودسری پنجه های خود را بیشتر در حلقوم ملت ستمکشیده ایران  
فرو کرد.

بامید تشکل بیشتر در مبارزات ملت و پیروزی قطعی مردمان مجاهد و مبارز این سرزمین باستقبال سال نو میرویم. تنها باین امید که وطن خود را از شرغاصبان و فاسقان برهانیم. به آرمانهای ملی و دینی خود تحقق بخشیم سال نو را بعموم مجاهدان راه حق و عدالت و بهمه زندانیان ملت بخصوص به پیشوای عالیقدر خود جناب آقای دکتر محمد مصدق تبریک میگوییم.

نهضت آزادی ایران

### قانون اساسی جدید

سالها قبل آزادگان نیرومندی با نثار خون خود منشور آزادی ملت ایران را بامضا رسانیدند. آنها فداکاری کردند که ریشه استبداد بخشکد و اندک اندک در این کشور عقب افتاده دموکراسی جایگزین دیکتاتوری گردد.

مجلسی باز شد وکلای حقیقی ملت از هر صنف و طبقه در آن راه یافتند. ثمره تلاشهای شبانه‌روزی این رادمدان قانون اساسی نامیده شد قانونی اساسی یعنی خون بهای شهیدان راه آزادی  
قانون اساسی یعنی نوشته‌ایکه با تاسیس مجلس موسسان میتوان در مندرجات آن تغییراتی داد.  
با گذشت سالها همه چیز این کشور ملعبه دست دیکتاتوری شد. آنها که سرجنابانان دیکتاتوری بودند بزور سرنیزه در مجالس راه یافتند. مجلسی که دیگر نه از تاک نشان ماند و نه از تاک نشان. ولی همیشه دل مردم باین خوش بود که لااقل قانون اساسی پا برجا مانده و روزیکه حکومت مردم اقتد با اجرای واقعی آن باینهمه کثافتکاری پایان خواهند داد غافل از اینکه: هستند کسانیکه نه تنها رئیس قوه مجریه و قضائیه و مقننه هستند بلکه اراده‌شان بجای قانون اساسی نیز حکمفرماست.

شاه در نطق اخیر خود ضمن اعطای! آزادی به زنان فرمود که این شش ماده هم طراز قانون اساسی است.  
البته این بیان مورد اعجاب نیست زیرا از تمام تلاشها و کوششهای شاهانه این نکته متجلی است که هم ایشان بر جانشین کردن اراده خویش بجای قانون اساسی - قوانین مجلس و حکومت و مردم و همه چیز است.  
ناراحتی و مخالفت ایشان از دولت ملی مصدق نیز از همین جا سرچشمه میگرفت زیرا رهبری خردمندانه مصدق رفته رفته افکار ملت را به سرنوشت خویش و خدمتگزاران و رهبر واقعی خود معطوف ساخته بود. .  
کودتای ۲۸ مرداد - مبارزه یک تنه با فساد و رهبری سیاست خاورمیانه - رفراندوم و نطقهای آتشین - حق رای بزنان - و... همه بهمین منظور بوده است.

پس از پایان رفراندوم کذایی و تاریخی!! اعلیحضرت نویسنده مقاله بدون رتوش خواندنیها که از جیره خواران و وابستگان معروف دربار است چنین نوشت:

«مردم در این تصویب ملی با یک یا چند ماده از لوایح ششگانه موافق یا مخالف بودند ولی بهر حال رای موافق خود را دادند ولی یک حقیقت از میان تمام این آراء متجلی میکرد و آن رای و اعتماد شخص شاهنشاه بود»  
اتفاقا همین حقیقت را که نویسنده معروف پس از رفراندوم کشف کردند در اعلامیه نهضت آزادی ایران بمناسبت رفراندوم چند روز قبل از آن برملاء ساخت. اصل مطلب و قصد اساسی همین بوده و هست و خوبی میبینیم که همه جا و همه وقت مظاهر این نیت خودنمایی میکند.

در شرح حال تروخیلو دیکتاتور معروف امریکای مرکزی مینویسند: اینشخص تمام کشور را بنام خود ساخته بود. در هر کوچه و خیابان مجسمه او برپا و خیابانها و مدارس و تاسیسات و املاک اصولا در مالکیت او و زن و خاندانش بود.

همین وضع در کشور ما دیده میشود - شما بهر طرف که میروید مجسمه یا نام شاه را میبینید - مدارس - تاسیسات بزرگ و کوچک - استادیومها - چهارراهها - خیابانها و کوچه همه باین نام هستند - حقیقتا اگر یک خارجی بیاطلاع از تاریخ ایران به این مملکت سفر کند سرانجام قضاوتش این خواهد بود که این ملت گذشته و آیندهاش - تاریخ و مفاخرش - شخصیتها و خدماتش همه در وجود یکفرد جمع شده و آنهم اعلیحضرت محمد رضا شاه است. .

اکنون ظاهرا این مراد حاصل شده و شاهنشاه جامع مقامات مقننه و قضائیه و اجرائیه و خلاصه مالکالرقاب ایران و ایرانی گشتهاند و باینترتیب با قدرت و نیروی بیشتر بزمان قبل از مشروطیت و استبداد برگشت کردهاند. انقلاب مشروطیت و قیام آزادمردان برای آزادی و خونهای کثیریکه از آن تاریخ تا کنون در این راه ریخته شده است همه بخاطر این بود که با تدوین یک قانون اساسی و تفکیک قوا از هم راه استبداد و خودسری را برپندند. . ولی امروز حاصل آنهمه فداکاری و جانبازی بشکل یک استبداد نوین و خودکامگی شخصی و فرعون منشی درآمده است.

اراده یک شخص جایگزین مجلس و قانون اساسی و خواست ملت گردیده است. . ارتجاع سیاه حقیقی که اعلیحضرت در سخنان خود اشاره میکنند همین است و بس.

مبارزه ملت ایران نیز امروز در همین خلاصه شده است. سرلوحه هرگونه اصلاحات و رفورم اجتماعی ریشه کن کردن همین بساط خودسری است. رفورمهای اجتماعی و ارضی تنها در یک کشور آزاد و بدست خود مردم و نمایندگان آنان نتیجه مثبت خواهد داد والا هر رفورم و هر تغییر رژیم و شکل اجتماعی هر قدر هم ظاهر فریب و دنیا پسند باشد نتیجه ای جز اسارت و بندگی بیشتر برای ملت ببار نخواهد آورد.

## دانشگاه

موج اعتراض و تنفر از اعمال خودسرانه و دیکتاتوری مابانه دستگاه حاکمه کنونی ایران هر لحظه بین دانشجویان وسیعتر و عمیقتر میگردد.

بدنبال اعلامیه کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم خارج از کشور کمیته دانشجویان دانشگاه از روز شنبه اقدامات وسیعی را بمرحله اجرا گذارد یکی از اقدامات مزبور اعتصاب غذای دانشجویان در روز چهارشنبه ۲۲ اسفند است که در جلوی محوطه دانشگاه صورت گرفت. دانشجویان در کمال نظم آنروز تا ساعت ۵ بعدازظهر بحالت نشسته همبستگی خود را با دانشجویان مقیم خارج از کشور ابراز داشتند.

در ابتدا طبق دعوت کمیته دانشگاه عده ای در حدود یکصد نفر باینکار دست زدند ولی رفته رفته عده بحدود هزار نفر رسید. . شعارهای زنده ای که پی در پی محیط دانشگاه را میلرزاند و فریادهای «دیکتاتور محکوم است» و «تا مرگ دیکتاتورها نهضت ادامه دارد» و در آخر با خواندن قطعنامه خاتمه پذیرفت.

دستگاه حاکمه از برخورد با دانشجویان و تکرار حوادث بهمن سال گذشته و امسال ترس دارد ولی بهرحال دانشجویان رشید و اساتید مبارز دانشگاه چون خاری در چشم گردانندگان این دستگاه میباشند بهمین سبب دستگاه در فکر بستن این پایگاه ارجمند ملت میباشد و در این راه از هیچ اقدامی فروگذاری نمیکند. . ولی مثل اینکه وقت آن گذشته است و طبقه روشنفکر و دانشجویان را نمیتوان با وعده های پوچ و لوايح عوامفریبانه فریفت.

## از: لابلای روزنامه‌ها

از سخنان ارسنجان: اگر اشخاصی می‌خواهند اصلاحات بکنند باید مصمم باشند و بکار خودشان معتقد باشند و حتی از مرگ نهراسند!! در کار اجرای اصلاحات ارضی کلیه اشخاص شرافتمند و بی‌نظر مملکت بما کمک کردند و در تمام موارد نقطه اتکاء ما شخص اول مملکت بود!! (از کیهان ۴۱/۱۱/۳۰)

\* \* \*

از سخنان علم: مردم در هر حال مطیع و تسلیم اراده دولت یا بهتر بگوییم تسلیم اراده شاهند (!) وقتی پادشاه تصمیمی گرفت و دولت بحقیقت مجری نیات شاه بود هیچکس مخالفت نمی‌کند. آخر در قرن بیستم - در عصر دموکراسی. پس از شصت سال مشروطیت باید اصول دموکراسی را هم واقعا بمرحله اجرا گذاشت و در عین حال نباید برای مخالفت لفظی کسی را توقیف کرد. (صفحه ۱۱ کیهان ۴۱/۱۱/۳۰)

\* \* \*

از سخنان باهری وزیر دادگستری: انسانی وقتیکه از طرف پادشاه مملکت مورد عنایت قرار بگیرد و برای تصدی یا منصبی باین عظمت مورد اعتماد واقع شود البته خودش را مفتخر و سرافراز میدانند و طبعاً یک خرسندی مشتاقانه‌ای باو دست میدهد. من با این کوچکی‌ای که دارم البته در مقابل این کرامت شاهانه ذوق زده شده‌ام.

\* \* \*

در مبحث حکومت‌های سیاسی جهان فصل خاصی است بنام «دولت اکتسابی» - این تسمیه از آنجا ناشی شده است که معمولاً مصلحین جهان قدرت قانونی دولتها را ناشی از تمایل ملت میدانند و آن دولتی را واجد اصالت و حاکم بر حق می‌شناسند که قدرت خود را از توده‌های اصیل خلق گرفته باشد. چنین حکومتی چون از مردم منبعث است از مردم ذاتی اصیل دارد و حقانیت او در فرمانروائی بر مردم جای انکار نیست. اما دولت اکتسابی ما آنچنان دولتی است که با زور و خدعه و تزویر و با آنطور که در این زمانه می‌بینیم بقدرت سرنیزه و توپ و تانک بر مردم مسلط شده باشد قدرت او در خودش نیست بلکه از خارج «کسب» کرده و باین دلیل «اکتسابی» است. اما دولت اکتسابی بیهوده غره است که تا ابد بچنین وضعی بر مردم حکومت خواهد کرد.

آزادی خواهان جهان بیدارند و دیکتاتورها و زورگویان سرنوشتی بهتر از گیسلینگ و موسولینی نخواهند داشت. (فردوسی شماره ۱۷ - اسفند)